

یکی قطره باران...

برای درس فارسی عمومی دانشگاه‌ها کتب متعدد و متنوعی تدوین شده و هر نویسنده به سلیقه خود به انتخاب و گزینش متون ادب فارسی مبادرت کرده است. اخیراً کتابی با عنوان یکی قطره باران: گزیده متون ادب فارسی و آیین نگارش، تألیف کورش کمالی سروستانی، انتشار یافته است.

نام کتاب برگرفته از این بیت سعدی است:

یکی قطره باران ز ابری چکید

خجل شد چو پهنای دریا بدید

دیباچه کتاب دربردارنده ابیاتی از مقدمه بوستن و مناجاتی از وحشی و ساقی نامه رضی الدین آرتیمانی است.

تنه اصلی کتاب را بخش‌های چهارده‌گانه زیر تشکیل می‌دهد:

کلیات، ادبیات حماسی، ادبیات غنایی، ادبیات تعلیمی، ادبیات عرفانی، ادبیات نمایشی، ادبیات انتقادی، ادبیات معاصر، ادبیات پایداری، ادبیات داستانی، ادبیات عامیانه، ادبیات کودک و نوجوان، ادبیات جهان، زبان و آیین نگارش.

در آغاز هر بخش یا فصل، مقدمه‌ای در معرفی آن موضوع از یکی از نویسندگان برجسته معاصر آمده و در ادامه نمونه‌هایی از ادب کهن و معاصر در آن موضوع ذکر شده است؛ به عنوان مثال، در بخش ادبیات معاصر مقاله‌ای از دکتر محمدجعفر یاحقی با عنوان «ادبیات معاصر ایران» از دانشنامه زبان و ادب فارسی تلخیص شده و در ادامه، اشعاری از نیما، شاملو، اخوان، فروغ، سهراب، بهار، گلچین گیلانی و ... آمده است. گاهی قطعاتی کوتاه در توضیح برخی از اشعار نیز نقل شده است.

سرآغاز هر شعر یا نثری را زندگینامه‌ای کوتاه از شاعر یا نویسنده تشکیل می‌دهد، که به حسن سلیقه، با عکس واقعی یا تصویر خیالی از آن شاعر یا نویسنده همراه شده است.

این گزیده محاسنی را داراست:

۱. از آن جهت که این کتاب انتخابی نواز متون ادبی به همراه گزیده‌ای از تاریخ ادبیات و نگارش است، بسیار ارزشمند می‌باشد؛ به‌ویژه که گزینش، طیفی وسیع و درازدامن از رودکی تا مندنی‌پور را در بر می‌گیرد. گویا گردآورنده خواسته

حشمت‌الله آذرمان*



* یکی قطره باران: گزیده متون ادب فارسی و آیین نگارش.

* کورش کمالی سروستانی.

* چاپ اول، شیراز: قلمکده، مؤسسه آموزش عالی حافظ شیراز، ۱۳۸۷.

است بیش از ۱۰۰۰ سال ادب فارسی را در کمتر از ۴۰۰ صفحه خلاصه کند.

۲. از دیگر محاسن کتاب، آمیختگی نظم و نثر است. همچنین آوردن نمونه‌هایی از ادبیات معاصر که در دیگر گزیده‌ها کمتر مجال حضور یافته‌اند، قابل توجه و تحسین است.

۳. معرفی برخی از چهره‌های ادبی و فرهنگی معاصر، از دیگر محاسن کتاب است.

۴. تقسیم کتاب به فصول چهارده‌گانه و به‌ویژه آوردن مباحثی مانند ادبیات کودک و نوجوان و ادبیات عامیانه، بدیع است و بر جذابیت کتاب می‌افزاید.

نقص‌هایی نیز در این کتاب دیده می‌شود که در صورت رفع آنها، ارزش کتاب دوچندان خواهد شد:

۱. گاهی نمونه‌های ارائه‌شده با عناوین بخش‌ها همخوانی و تناسب ندارد؛ مثلاً در صفحات ۶۳ تا ۶۶ غزل‌هایی از مولانا ذکر شده که کاملاً عارفانه است، ولی در زمره ادبیات غنایی آمده است؛ یا در صفحات ۷۹ و ۸۰ ابیاتی از جامی با حال و هوایی عرفانی و وحدت وجودی نقل شده است که مسلماً بایستی جزء ادبیات عرفانی ذکر می‌شد، نه در ردیف ادبیات غنایی. رباعیات غنایی خیام نیز در قسمت ادبیات تعلیمی آمده است. شعر کتیبه (ص ۱۶۴) نیز اگر چه حالت روایی دارد، اما جزء ادبیات نمایشی نیست و ذکر آن در زمره ادبیات نمایشی نادرست است.

نمی‌دانم آیا می‌توان مرثیه‌سرایی را در زمره ادبیات پایلداری به حساب آورد؟

۲. ترتیب و نظم مشخص در ذکر ابیات و متون وجود ندارد. بهتر بود ترتیب زمانی و یا ترتیب الفبایی مراعات می‌شد.

۳. در صفحه ۱۷۷ حکایاتی از عبید نقل شده است که همه آنها ذیل یک عنوان «دعوی نبوت» آمده‌اند؛ در حالی که تنها حکایت اولی مربوط به دعوی نبوت است و لاجرم سایر حکایات را عناوین دیگری لازم است و یا به طور کلی باید از آوردن عنوان صرف‌نظر کرد.

۴. ذکر آثار، بدون ارجاع به منابع است. برخی از اشعار حتی معلوم نیست از کدام اثر شاعر است؟ (صفحه ۷۱). بهتر بود جهت استفاده بیشتر دانشجویان، نام کتاب و صفحه آن ذکر می‌شد.

۵. در بخش ادبیات داستانی نمونه‌هایی از داستان‌های کهن ذکر نشده است؛ تمام نمونه‌ها معاصر است. پس چرا آنها را در زمره ادبیات معاصر ذکر نکرده‌اند؟ مگر ادبیات معاصر یعنی شعر معاصر؟

۶. ذکر نمونه‌هایی از ادبیات عامیانه مکتوب در قسمت ادبیات عامیانه بر فخامت کتاب می‌افزود. در حالی که چند نمونه نه چندان سخته و جذاب از ادبیات عامیانه، که تنها شعر را در بر می‌گیرد و در آن از داستان و قصه خبری نیست، در کتاب آمده است.

۷. در بخش ادبیات کودک خبری از داستان‌های کودکانه نیست. در ضمن، اشعار کودکان‌های که نقل شده است، چندان عمیق نیست. می‌توان اشعاری را برگزید که در عین کودکانه بودن، عمیق باشند؛ از جمله اشعار کشاورز.

۸. برخی از کلمات که نیازمند شرح و توضیحند، شرح نشده‌ها شده‌اند؛

مثلاً «فتراک»، «ببر»، «جعد» و... این در حالی است که در آغاز کتاب، ۹ بیتی که از بوستان نقل شده، ۱۱ زیرنویس توضیحی را به خود اختصاص داده است و حتی کلماتی مانند «عزیز» و «حکیم» هم معنی شده‌اند (عزیز: ارجمند...!) (ص ۹). اگر بنا بر شرح و توضیح بوده، چرا در سایر موارد بسیاری از ابیات و کلمات مبهم نامشروع رها شده است؟ و اگر بنا بر عدم توضیح بوده، چرا چند صفحه آغازین کتاب را شرح و توضیح کلمات آسان و زودیاب پر کرده است؟

۹. در صفحه ۱۵۶ درباره پروین اعتصامی آمده است: «او در سبک شاعری پیرو ناصر خسرو قبادیانی است». آخر، اشعار لطیف و روان پروین کجا و اشعار ناصر خسرو کجا؟! اگر نوشته می‌شد گاهی در بند و اندرز به شیوه ناصر خسرو نزدیک می‌شود، درست‌تر و به صواب نزدیک‌تر بود.

۱۰. مطالب نگارشی کتاب بسیار کم است و احتیاجات دانشجویان را برآورده نمی‌سازد.

۱۱. در صفحه ۳۷۴ آمده است: «به چند نمونه نامه اداری توجه کنید» اما تنها یک نمونه ذکر شده است، نه چند نمونه.

۱۲. برخی از اغلاط چاپی یا سهو القلم‌ها نیز باید اصلاح گردد: صفحه ۱۸۳: «دیدم راست می‌گویند؟» نقطه می‌خواهد، نه علامت پرسشی. صفحه ۳۸: «بر آن باره کوه‌پیکر نشست» و، در حرف بر ساکن است و کسره نمی‌خواهد.

صفحه ۳۷۳: قرماید ضبط شده که باید فرماید باشد. صفحه ۳۷۸: در مثال ویرگول، ویرگول نیامده است: «او با تلاش بسیاری که کرد...» به مقصود رسید.

صفحه ۳۸۲: آکلاد در مثال از قلم افتاده است. صفحه ۳۸۰: «لسان الغیب» را نباید جمله معترضه به حساب آورد و در دو طرف آن خط تیره گذاشت. لسان الغیب، بدل حافظ است و باید قبلش ویرگول آورد؛ مانند نمونه صفحه ۳۷۸: «سهراب سپهری، شاعر معاصر».

در صفحه ۳۶۴ اشکال دستوری وجود دارد و این در حالی است که مطالب آن صفحه برای آموزش آیین نگارش آمده است: «و ناچار [از] به کار بردن اصطلاحات علمی و فنی باشیم».

به هر تقدیر، کتاب یکی قطره باران با اصلاحات جدید، کتابی ارزشمندتر و قابل توجه‌تر خواهد شد؛ این شاء الله.

پی‌نوشت

* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد هرمزگان.

کتابنامه

— کمالی سروستانی، کورش، ۱۳۸۷، یکی قطره باران، گزیده متون ادب فارسی و آیین نگارش. شیراز: قلمکده: مؤسسه آموزش عالی حافظ شیراز.
— سعدی شیرازی، مشرف‌الدین. مصلح بن عبدالله، ۱۳۷۸، بوستان. تهران: طلوع.